

فهم روابط ایران و گرجستان از زمان اعلام استقلال

بر اساس نظریه‌های روابط بین‌الملل

بهرام امیراحمدیان*

استاد مدعو دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران

حسن عسگری

کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه علامه طباطبائی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۴ - تاریخ تصویب ۱۳۹۱/۴/۱۰)

چکیده

با دگرگونی نظام توزیع قدرت در سطح جهانی و فروپاشی شوروی به‌عنوان همسایه مهم شمالی ایران و تشکیل جمهوری‌های متعدد در مرزهای شمالی ایران، دوران جدیدی برای جمهوری اسلامی ایران و روابط آن با جمهوری‌های تازه تأسیس از جمله جمهوری گرجستان به‌وجود آمد. با اعلام استقلال گرجستان و شناسایی آن کشور توسط جمهوری اسلامی ایران فصل نوینی در روابط دو کشور آغاز شد. البته در دو دهه گذشته روابط دو کشور به دلایل مختلف مانند شرایط حاکم بر دو کشور، شرایط منطقه‌ای، شرایط بین‌المللی و همچنین نقش تصمیم‌گیران و کارگزاران فراز و نشیب داشته است. به‌گونه‌ای که در مقاطعی روابط دو کشور به اوج و در مقاطعی هم این روابط به حد پایین نزول کرد. در این نوشتار نقش عواملی مانند ساختار و یا نظام بین‌المللی، زمامداران و نخبگان ایران و گرجستان به‌عنوان کارگزاران، اشتراک‌ها و یا تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی و یا هنجارها و ارزش‌ها که در فراز و فرود روابط دو کشور مهم بودند، بر اساس دو نظریه نواقع‌گرایی و سازه‌نگاری بررسی و تأکید شده است که بر اساس نظریه سازه‌نگاری بهتر می‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط ایران و گرجستان را توضیح داد و ارزیابی کرد.

کلید واژه‌ها

قفقاز جنوبی، ایران، گرجستان، سازه‌نگاری، نواقع‌گرایی

* Email: bahram@amirahmadian.com

مقدمه

با فروپاشی اتحاد شوروی و اعلام استقلال گرجستان، جمهوری اسلامی ایران از اولین کشورهایی بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت. با افتتاح سفارت ایران در تفلیس در سال ۱۹۹۳ روابط رسمی دیپلماتیک بین دو کشور برقرار شد و پس از مدت کوتاهی به سطح سفیر ارتقا یافت. در مقابل گرجستان نیز در سال ۱۹۹۴ سفارت خود در تهران را افتتاح کرد. در طول دو دهه گذشته روابط دو کشور به دلایل مختلف مانند شرایط حاکم بر دو کشور، شرایط منطقه‌ای، شرایط بین‌المللی و همچنین نقش تصمیم‌گیران و کارگزاران فراز و نشیب‌هایی داشت؛ به‌گونه‌ای که زمانی روابط دو کشور به اوج و زمانی هم این روابط به حد پایین نزل کرد. سؤال اساسی که در این نوشتار به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که چرا روابط ایران و گرجستان همواره روند فراز و فرود همراه با سکون و رشد را طی کرده است؟ چگونه می‌شود محدودیت‌ها و موانع و همچنین فرصت‌ها و ظرفیت‌های روابط دو کشور را به کمک نظریه‌های روابط بین‌الملل درک کرد؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی باید این سؤال‌های فرعی را نیز پاسخ دهیم:

۱. کدام یک از نظریه‌های روابط بین‌الملل می‌توانند روابط ایران و گرجستان را توضیح دهند؟
۲. روابط ایران و گرجستان چه مراحل را طی کرده است؟
۳. محدودیت‌ها، امکانات و ظرفیت‌ها در روابط دو کشور چگونه هستند؟

به صورت خلاصه در پاسخ به این پرسش‌ها باید گفت:

الف- هیچ‌کدام از نظریه‌های روابط بین‌الملل توان توضیح و تحلیل روابط دو کشور را ندارند و هر یک می‌توانند بخشی از این روابط را توضیح دهند. انتخاب بیش از یک یا دو نظریه ما را در فهم موضوع بهتر هدایت می‌کند و سودمندتر است. بر همین اساس در این نوشتار روابط دو کشور بر اساس نظریه‌های نواقع‌گرایی و سازه‌نگاری مورد ارزیابی و آزمون قرار خواهند گرفت.

ب- برای فهم بهتر فراز و نشیب‌های روابط ایران و گرجستان سه مقطع و مرحله را که نقطه عطف در روابط دو کشور بوده‌اند، مشخص و توضیح داده شده است.

ج- دلیل این فراز و نشیب‌ها وجود امکانات، ظرفیت‌ها و همچنین محدودیت‌هایی بوده است که در این مقاله به آنها اشاره خواهد شد.

با توجه به پرسش‌های اصلی و فرعی، فرضیه‌ای که برای این نوشتار می‌توان مطرح کرد این است که نظام بین‌الملل محدودیت‌هایی را در روابط ایران و گرجستان ایجاد می‌کند و به همین دلیل نظام بین‌الملل تعیین‌کننده است، اما سهم و نقش کارگزاران و بازیگران را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. همین امر توضیح دهنده امکانات و زمینه‌های توسعه است. این نوشتار از سه بهره تشکیل شده است. بهره اول سیر مراحل تاریخی روابط ایران و گرجستان را توضیح می‌دهد. بهره دوم محدودیت‌ها و امکانات در روابط دو کشور را به بحث می‌گذارد و بهره سوم نیز به نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعه روابط ایران و گرجستان بر اساس آن اختصاص دارد.

روند روابط نوین ایران و گرجستان

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و اعلام استقلال ۱۵ جمهوری جدید، فرصتی را فراروی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور در کشورهای تازه استقلال یافته فراهم کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از قدرت‌های تأثیرگذار منطقه‌ای تلاش کرد تا از این فرصت به‌وجود آمده استفاده کند و با برقراری روابطی دوستانه نفوذ خود را افزایش دهد. در همین راستا توسعه روابط با گرجستان به‌عنوان یکی از کشورهای تازه استقلال یافته در دستور کار جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. به‌دلیل ماهیت تحولات در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی و رقابت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای حضور بیشتر در این منطقه، تحولات در درون گرجستان نیز بسیار متحول، مستمر و پویا بود. به همین دلیل روابط جمهوری اسلامی ایران با گرجستان نیز با تغییر و تحولات گسترده‌ای همراه بوده است. این روابط را براساس حساسیت مقاطع می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

الف- مرحله اول از سال ۱۳۷۲ (برقراری روابط سیاسی) تا سال ۱۳۷۵

جمهوری اسلامی ایران یکی از اولین کشورهایی بود که پس از فروپاشی شوروی و اعلام استقلال گرجستان، استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و روابط سیاسی و دیپلماتیک با این کشور برقرار کرد. در بهار ۱۹۹۳ نمایندگی سیاسی جمهوری اسلامی ایران در سطح کاردار در تفلیس افتتاح شد و پس از مدت کوتاهی به سطح سفیر گسترش یافت. در مقابل گرجستان نیز در نوامبر ۱۹۹۴ سفارت خود را در تهران افتتاح کرد.

دوره اول روابط، اختصاص به دوره اول ریاست ادوارد شوارندادزه به عنوان رئیس شورای عالی گرجستان و دوره اول ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی دارد. تا حدودی این دوران آغازی خوب و حتی توسعه روابط در ابعاد مختلف بین دو کشور است. در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اعتقاد بر این بود که اگر ایران روابط اقتصادی خود را با کشورهای منطقه قفقاز (از جمله گرجستان) تقویت کند، به تدریج می تواند فضای مناسبی را برای اقدام های سیاسی و فرهنگی در آینده به وجود آورد (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). سفر ادوارد شوارندادزه رئیس جمهور گرجستان به ایران در سال ۱۹۹۴ و سفر هاشمی رفسنجانی به گرجستان در سال ۱۹۹۵ بیانگر اوج روابط سیاسی در این دوره زمانی است که روابط دو کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، پارلمانی و فرهنگی وارد مرحله جدیدی شد. برگزاری سه کمیسیون مشترک اقتصادی بین دو کشور نیز در بعد اقتصادی از جمله گام های مهم دیگر در توسعه روابط دو کشور است. سفر مقام های بلندمرتبه دو کشور مانند سفر نخست وزیر دولت گرجستان و معاون اول رئیس جمهور ایران به گرجستان، رئیس پارلمان وقت گرجستان و هیئت بلندمرتبه پارلمانی ایران به ریاست حسن روحانی به پایتخت های یکدیگر، از سطح خوب روابط در این مقطع حکایت می کند.

ب- مرحله دوم از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۲

این مقطع از زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری ادوارد شوارندادزه تا زمان برکناری وی از قدرت است. گفتنی است که شوارندادزه تا قبل از آن به دلیل شرایط داخلی گرجستان در مقام رئیس شورای عالی گرجستان قدرت را در دست داشت. شوارندادزه در سال ۱۹۹۵ با ۷۵ درصد آرا به ریاست جمهوری گرجستان برگزیده شد و در دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری یعنی انتخابات سال ۲۰۰۰ نیز دوباره به قدرت رسید.

این مقطع خود تغییرهای زیادی داشت. در سه سال اول این مقطع روابط دو کشور روند کاملاً نزولی داشت. البته در سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ روابط دو کشور با سفر وزرای امور خارجه، بازرگانی و اقتصادی دو کشور، سفر رئیس پارلمان و اسقف اعظم گرجستان به ایران روند متعادل تری را طی کرد. ولی در بعد کلان همچنان به دلیل کارشکنی های آمریکا و نبود اراده جدی شورمان برای حضور مؤثرتر در بازار این کشور روند رو به رشدی را نداشت.

فشار آمریکا به شواردنازده و مقام‌های این کشور با توجه به نیاز آنها به غرب برای کمک‌ها و حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از این کشور سبب شده بود تا با وجود هماهنگی‌های لازم برای سفر به تهران در سال ۱۳۷۵، شواردنازده چندین بار در واپسین ساعت‌ها سفر خود را لغو کند و غیر از سفر اول خود در سال ۱۳۷۳ هیچ‌گاه موفق به سفر به تهران نشد. دبیر شورای امنیت ملی گرجستان نیز به همین شکل سفر خود به تهران را لغو کرد.

در آستانه انتخابات سال ۲۰۰۳ ریاست جمهوری و با توجه به پیروزی احتمالی مخالفین که به غرب گرایش داشتند، در مورد روابط دو کشور دو دیدگاه وجود داشت: دیدگاهی بر این اساس بود با روی کار آمدن گروه جدید، روابط دو کشور به مراتب بدتر خواهد شد. در مقابل دیدگاه دیگر معتقد بود با وجود سیاست‌ها و خط مشی‌های آنها بعید است روابط دو کشور از این سطح کنونی بدتر شود. نویسندگان این نوشتار به دیدگاه دوم معتقد هستند. در آینده در این مورد توضیح‌های بیشتری داده خواهد شد.

ج- مرحله سوم ۱۳۸۲ (انقلاب گل سرخ) - تاکنون

وقوع انقلاب گل سرخ که به پیروزی مخالفین به رهبری ساکاشویلی و برکناری شواردنازده در نوامبر ۲۰۰۳ منجر شد، نقطه عطفی در روابط ایران و گرجستان است. جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از زمامداران جدید دوباره بر استقلال و تمامیت ارضی گرجستان تأکید کرد و گروهی بلندمرتبه به سرپرستی وزیر امور اقتصادی و دارایی وقت را برای شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری گرجستان در ژانویه ۲۰۰۴ به تفلیس فرستاد. نگاه دولتمردان جدید به کشورهای همسایه از جمله جمهوری اسلامی ایران برای توسعه و تحکیم روابط و به‌کارگیری سیاست توسعه و تحکیم روابط با کشورهای همسایه، نقطه عطفی در توسعه و گسترش روابط دو جانبه بود. انجام سفر ساکاشویلی و هیئت همراه به ایران در ۲۰۰۴ و امضای چند سند همکاری بین دو کشور مانند یادداشت تفاهم اساس روابط متقابل و اصول همکاری‌های دو کشور، قرارداد بازرگانی، برنامه مبادلات فرهنگی، پروتکل الحاقی به قرار داد حمل و نقل هوایی و توافق‌نامه کمک توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران به گرجستان نقطه عطفی در توسعه روابط و نگاه به آینده بود.

تصمیم دو کشور برای احیا و برگزاری کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور پس از ۸ سال توقف، نیز بی‌شک اقدام مهمی در راستای توسعه روابط دو کشور بود. در بعد اقتصادی نیز روابط

دو کشور متحول شد. روابط تجاری دو کشور به روابط اقتصادی و سرمایه‌گذاری تغییر یافت که خود گام مثبتی بود. دو طرف در اولین گام توافق کردند جهت صدور خدمات فنی و مهندسی و اجرای طرح‌های تعریف شده، وام و اعتبارهایی را برای صادرکنندگان غیر نفتی اختصاص دهند که در این زمینه جمهوری اسلامی ایران بیشتر از ۲۰ میلیون یورو اعتبار صادراتی و ۲/۵ میلیون دلار نیز کمک توسعه‌ای برای انجام طرح‌های زیربنایی در گرجستان اختصاص داد. توافق دو کشور برای تبادل برق بین دو کشور از دیگر گام‌هایی بود که برداشته شد. در نوامبر ۲۰۰۶ برای انتقال برق ایران به گرجستان از راه ارمنستان بین وزرای سه کشور موافقتنامه‌ای امضا شد. صدور گاز ایران به گرجستان در پی انفجار خط لوله گاز روسیه به گرجستان و قطع گاز در ژانویه ۲۰۰۶ از دیگر گام‌های همکاری ایران با این کشور بوده است.^۱ حجم مبادلات تجاری دو کشور از ۱۲ میلیون دلار در سال ۲۰۰۰ به حدود ۶۷ میلیون دلار در سال‌های اخیر افزایش یافته است که بیشتر صادرات جمهوری اسلامی ایران به گرجستان است (Kornely, 2011).

وجود ایرانی‌های گرجی تبار (فریدون شهر اصفهان) که از زمان صفویه به ایران انتقال داده شده‌اند بعد دیگری از این پیوندها است. از زمان روی کار آمدن دولت ساکاشویلی تلاش زیادی شد تا از آنها به عنوان اقلیت گرجی حمایت‌های خاصی شود. ساکاشویلی در سفر سال ۱۳۸۴ خود به تهران از منطقه فریدون شهر اصفهان نیز دیدار کرد و از نزدیکی با زندگی گرجی تبارهای ایرانی آشنا شد. بنابراین اینها خود عامل پیوند دو کشور و افزایش روابط بین مردمی شده است.^۲

محدودیت‌ها و امکانات

الف - محدودیت‌ها و موانع

بی‌شک روابط میان کشورها بر اساس ماهیت روابط، موقعیت جغرافیایی، شکل روابط، همگرا و یا غیر همگرا بودن و برخی ویژگی‌های دیگر متفاوت است. این اصل در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و گرجستان نیز مستثنی نیست. جمهوری اسلامی ایران و گرجستان

۱. این عملیات به صورت مقطعی و کوتاه مدت بود و پس از چند روز متوقف شد، زیرا به علت فرسوده بودن لوله انتقال (مربوط به دوره شوروی)، امکان بهره‌برداری فراهم نشد.

۲. جالب است که گرجی‌های مقیم ایران امروزه به بالاترین مقام‌ها و مسئولیت‌های محلی و منطقه‌ای دست یافته‌اند. فرماندار و امام جمعه این منطقه اصالت گرجی دارند.

ضمن داشتن یکسری امکانات و ظرفیت‌ها برای توسعه و گسترش روابط با برخی محدودیت‌ها و موانع مواجه هستند که این عوامل موجب رکود و حتی کاهش و ایجاد محدودیت در روابط دو کشور شده است. به برخی عوامل مهم در این مورد اشاره می‌شود.

۱- عوامل بین‌المللی

- **ماهیت نظام بین‌الملل:** ساختار نظام بین‌الملل را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها در توسعه و یا کاهش روابط میان کشورها عنوان کرد. ساختار از جمله مفاهیم مهمی است که نو واقع‌گرایان بسیار بر آن تأکید دارند. به همین دلیل است که از آن به‌عنوان «واقع‌گرایی ساختاری»^۱ یاد می‌کنند. ساختار ناشی از نوع ترتیبات قدرت‌ها در سطح بین‌الملل است. قدرت واحدها، ساختار را تشکیل می‌دهد، ولی هنگامی که ساختار تشکیل شد، بر مجموعه قدرت‌های تشکیل دهنده آن ساختار تأثیر می‌گذارد (Guzzini, 1998, p. 181). از نظر کنت والتز^۲ اصطلاح ساختار به معنی شکل آرایش اجزا است. ساختار تعیین‌کننده آرایش اجزا در سیستم بین‌المللی است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷).

- **حضور آمریکا و اسرائیل به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای:** آمریکا به‌عنوان یکی از بازیگران قدرتمند و با نفوذ، از جمله عوامل محدودیت‌ساز در روابط ایران و گرجستان است. آمریکا در پی فروپاشی شوروی تلاش کرد کشورهای اقماری شوروی را به شکل‌های ممکن زیر نفوذ قدرت خود قرار دهد تا بتواند ساختار آتی نظام بین‌الملل را نظام تک قطبی با سلطه قدرت هژمون بسازد. آسیای مرکزی و قفقاز از جمله مناطقی بود که آمریکا با نفوذ خود به‌دنبال تأمین منافع کوتاه مدت (منافع سیاسی و اقتصادی) و درازمدت (تثبیت سلطه) خود بود. گرجستان بیشتر به‌دلیل استراتژیکی و ژئوپلیتیکی بیش از پیش مورد توجه آمریکا قرار گرفت. همین امر موجب شد آمریکا برنامه‌های مختلفی مانند دسترسی به مسیر انتقال انرژی، انزوای جمهوری اسلامی ایران، جلوگیری از نفوذ روسیه و حمایت از هم‌پیمان‌های خود، ترکیه و اسرائیل را برای رسیدن به هدف‌های خود در گرجستان دنبال کند. نفوذ تأثیرگذار آن بر ساختارهای قدرت گرجستان موجب شد روابط ایران و گرجستان با محدودیت‌هایی روبرو شود (عسگری، ۱۳۸۳، ص ۲۵۹).

1. Structural Realism
2. Kenneth Waltz

انقلاب گل سرخ با حمایت‌های آمریکا به نتیجه رسید. دیدگاه اخطارگرا، حرکت ایران در مجموعه اتحاد شوروی را به صورت عام و جمهوری‌های مسلمان‌نشین را به صورت خاص خطرناک و مخرب توصیف می‌کند. اینها مدل نظری ایران را برای این جمهوری‌ها خطرناک می‌دانند و به دنبال پیاده کردن الگوهای خود بر اساس مدل غیردینی ترکیه هستند و آن را ترجیح می‌دهند. زیرا نظام مردم‌سالار ترکیه از نظر اشتراک ارزش‌های مردم‌سالارانه با آمریکا پیوند زیادی دارد و ترکیه متحد نظامی غرب و آمریکا است. ایجاد رقابت میان ترکیه و ایران در این منطقه خود به نفع آمریکا است (سجادپور، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶).

گرجستان به عنوان دروازه ورودی قفقاز، راهبرد سیاست خارجی و امنیتی خود را در قالب پیوستن به ناتو و اتحادیه اروپا تعریف می‌کند. مقام‌های تفلیس بر این عقیده هستند که عضویت در ناتو نه تنها اعتباری برای این کشور محسوب می‌شود، بلکه امنیت این کشور کوچک و آسیب‌پذیر را در مقابل روسیه تضمین خواهد کرد و به دنبال آن، میزان ثبات سیاسی در جامعه با حمایت از روند دموکراسی توسط غرب افزایش می‌یابد (شفیعی، ۱۳۹۰، ص ۴۷).

- عامل روسیه به عنوان رقیب منطقه‌ای: روسیه رقیب دیگر قدرت منطقه‌ای ایران که منطقه قفقاز و به خصوص گرجستان را به دلیل داشتن مرزهای مشترک حیات خلوت خود می‌داند، از دیگر محدودیت‌های موجود در روابط ایران و گرجستان است. بی‌تردید روسیه نیز به دلایل مختلف راهبردی، ژئواکونومیکی و امنیتی می‌خواهد از تمام اهرم‌های خود برای حفظ اولین و حیاتی‌ترین منطقه نفوذ خود - به خصوص گرجستان - استفاده کند. به همین سبب حضور ایران در منطقه با توجه به پیوندهای فرهنگی و دینی برای روسیه بسیار نگران‌کننده است و همواره به آن به عنوان یک رقیب می‌نگرد. هرگونه همکاری‌های راهبردی با گرجستان نگرانی‌های جدی روسیه را بر می‌انگیزد. به عنوان نمونه وقتی ایران آمادگی خود را برای کمک به گرجستان در امر گاز، در پی بحران انفجار خط لوله گاز روسیه در زمستان ۲۰۰۳ اعلام کرد، روسیه فشارهای مختلفی را برای قطع این گونه همکاری‌ها ایجاد کرد.

بزرگ‌ترین چالش دولت ساکاشویلی نحوه مدیریت با همسایه شمالی یعنی روسیه است. با وجود فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱، بسیاری از مردم در مسکو هنوز گرجستان را به عنوان بخشی از امپراتوری روسیه می‌بینند. دولت روسیه میل ندارد که از کنترل جهت‌گیری‌های خارجی و سیاست گرجستان صرف‌نظر کند. با استفاده از ترکیبی از قدرت سخت‌افزاری مانند سربازان

مستقر در مرز میان گرجستان و مناطق جدایی‌خواه و قدرت نرم افزاری (انرژی ارزان قیمت و سیاست‌های شهروندی و دیپلماسی فرهنگی) کرملین تلاش می‌کند تا گرجستان را در مدار خود قرار دهد (حیدری، ۱۳۸۷، صص ۵۹-۶۰). در همین راستا نزدیکی ایران و گرجستان به یکدیگر از نگاه روس‌ها به معنی کاهش نفوذ روسیه ارزیابی می‌شود.

– **ترکیه رقیب منطقه‌ای ایران:** ترکیه یکی از بازیگران مهم در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز و به‌ویژه گرجستان است که با رویکردی اقتصادی و بسیار هوشمندانه و حساب شده وارد بازار این کشورها شد و تا حدودی حضور خود را در تک تک این کشورها پر رنگ کرد. البته در این مسیر باید به حمایت کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا و ناتو از ترکیه توجه کرد. آمریکا حضور ایران اسلامی در این منطقه را خطرناک می‌داند و با حمایت از ترکیه به دنبال توقف نفوذ و حضور ایران در این کشور است.

۲- عامل گرجی

گرجستان پس از اعلام استقلال همواره راهبرد نگاه به غرب را برای چشم‌انداز آتی خود بکار گرفته است. پیوستن به نهادهای غربی، به‌ویژه ناتو و اتحادیه اروپا هدف نهایی است. برقراری روابط راهبردی با آمریکا به‌ویژه از زمان روی کار آمدن ساکاشویلی به یکی از آرزوهای دولت‌مردان گرجی تبدیل شده است. گرجستان مقابله با روسیه و زیاده‌خواهی‌هایش، پیوستن به اورو – آتلانتیک، بازگرداندن تمامیت ارضی خود با بازگرداندن جمهوری‌های جدایی‌طلب آبخازیا و اوستیای جنوبی را در برقراری روابط راهبردی با آمریکا می‌بیند. این مهم با توجه به نوع نگاه و روابط میان ایران و گرجستان به یک عامل واگرا و محدودکننده روابط تبدیل شده است.

۳- عامل ایرانی

گرجستان به جهت‌های مختلف از موقعیت جغرافیایی ویژه و برجسته‌ای برخوردار است. هر چند ایران به این مهم آگاه بود ولی به‌نظر می‌رسد گام‌های جدی برای استفاده از این فرصت‌ها برداشت و به‌عبارتی غفلت کرد. در اصل ایران و گرجستان دارای مشکل خاصی در روابط نبوده و نیستند. تشویق سرمایه‌داران بزرگ ایرانی برای حضور فعال‌تر و اجرای پروژه‌های مهم در گرجستان و کمک و حمایت دولت از بخش خصوصی و دولتی برای حضور در بازار گرجستان

جهت سرمایه‌گذاری می‌توانست مسیر توسعه روابط را هموارتر کند. سرمایه‌گذاران ایرانی همواره از ناامنی و نبود ثبات سیاسی در این کشور به‌عنوان دلایل عدم حضور سخن می‌گویند؛ ولی شرکت‌های روس و ترک به‌گونه‌ای عمل کرده‌اند که بازار این کشور را تسخیر کرده‌اند.

ب) امکانات

۱- عوامل مشترک

- **موقعیت مناسب ژئوپلیتیکی ایران و گرجستان:** جمهوری اسلامی ایران و گرجستان دارای موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی هستند. قرارگرفتن جمهوری اسلامی ایران بین دریای خزر، دریای عمان و خلیج فارس و واقع‌شدن گرجستان در کنار دریای سیاه و یا قرارگرفتن دو کشور در مسیر تجارت جهانی (جاده ابریشم) و همچنین در مسیر حمل و نقل کالا و انرژی به اروپا و به‌عنوان دروازه غرب به آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بر اهمیت دو کشور افزوده است. پس این مهم فرصت و ظرفیت بسیار مناسبی را برای توسعه همکاری‌های دو کشور هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی فراهم کرده است که دو کشور می‌توانند از این بهره‌های خدادادی در جهت منافع ملی خود استفاده کنند.

- **استفاده از سرمایه‌های ایران:** وجود شرکت‌های دولتی و خصوصی ایران و توان آنها برای سرمایه‌گذاری مشترک در گرجستان در زمینه‌های مختلف و نیاز گرجستان به سرمایه‌گذاری خارجی یکی دیگر از فرصت‌ها و امکانات بالقوه‌ای است که تاکنون از سوی دو طرف مورد استفاده قرار نگرفته است و فرصتی مناسب برای گرجستان و حتی ایران است. باید تلاش شود که دو کشور به‌دلیل اشتراک‌ها و پیوندهای موجود، با یکدیگر روابط گسترده‌تری داشته باشند.

- **تلقی دو کشور به‌عنوان کشورهای همسایه:** باید تلاش شود که دو کشور به‌دلیل اشتراک‌ها و پیوندهای زیاد به‌عنوان کشورهای همسایه همدیگر را مورد پذیرش قرار دهند؛ هر چند این نوع نگاه در اذهان وجود دارد. به هر میزان که به وابستگی متقابل میان ایران و گرجستان بیشتر فکر و راه‌های عملی‌تر انتخاب شود که منافع دو طرف را تأمین کند، امکان همگرایی بیشتر خواهد شد.

- **اشتراک‌های تاریخی و فرهنگی:** وجود اشتراک‌های تاریخی، فرهنگی، دینی و حتی زبانی سرمایه بزرگ و عوامل پیوند دهنده خوبی برای دو کشور است که می‌تواند روابط دو کشور را در جهات مختلف تقویت کند.

- همکاری‌های منطقه‌ای به‌عنوان فرصت و ظرفیت: در سطح منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیت و حساسیت منطقه قفقاز و با هدف تأمین امنیت بخش شمال غربی خود، فرصت‌ها و امکانات خوبی برای همکاری و بهره‌برداری در جهت منافع ملی خود دارد. در زمینه تبادل یا صدور برق هم اکنون جمهوری اسلامی ایران با گرجستان و ارمنستان بر اساس تفاهم‌های صورت گرفته همکاری‌های خود را آغاز و در فصل‌های مختلف بر اساس نیازهای متقابل، برق یکدیگر را تأمین می‌کنند که این مهم به‌صورت شبکه‌ای بین ایران و سه کشور منطقه قفقاز قابل گسترش است. انتقال گاز ایران از راه خط لوله به گرجستان از مسیر جمهوری آذربایجان یا از راه ارمنستان زمینه دیگر همکاری است.

همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان همکاری‌های اقتصادی دریای سیاه (بیسک)^۱ که اکنون عضو ناظر آن است و همکاری با سه کشور قفقاز جنوبی در حوزه حمل و نقل از دیگر فرصت‌های موجود است. هم اکنون همکاری‌های دو کشور در بعد حمل و نقل به‌ویژه در مسیر زمینی در سطح خوبی صورت می‌گیرد. این مهم با توسعه و بهینه‌سازی راه‌ها می‌تواند به‌عنوان یکی از بسترها و فرصت‌های مطلوب مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بخش مهمی از کالاهای وارداتی روسیه از کشورهای حاشیه خلیج فارس از راه مسیر ایران - جمهوری آذربایجان و از مرز جنوبی روسیه وارد خاک این کشور می‌شود. در ضمن مسیر ایران - جمهوری آذربایجان - باتومی (گرجستان) نیز فعال است و قابل توسعه و گسترش است. در حوزه ریلی نیز طرح‌هایی جهت گسترش این حوزه در دست اجرا است که می‌توان به مسیر آستارا - باکو - باتومی اشاره کرد.

- همکاری‌های استانی فرصتی جدید: در زمینه استانی نیز این اهمیت به مراتب بیشتر است. پس از فروپاشی شوروی استان‌های مرزی ایران در شمال کشور بسیار فعال شدند و با همسایگان خود روابط نوینی را آغاز کردند. استان‌های گیلان، خراسان رضوی، قزوین و آذربایجان غربی بیشترین حضور را در روابط تجاری و بازرگانی با گرجستان دارند. تجار ایرانی از این استان‌ها در نمایشگاه‌های فصلی و بین‌المللی گرجستان مشارکت و حضور فعال دارند. گسترش روابط انسانی و افزایش روابط میان مردم دو کشور موجب گسترش فعالیت‌های توریستی و مهم‌تر از آنها توسعه تجارت در سطح خرد با خرید و یا فروش کالا در سطح چمدانی است که خود

1. Organization of the Black Sea Economic Cooperation (BSEC)

موجب گسترش همکاری‌های تجاری خواهد شد. افتتاح نمایندگی‌های وزارت امور خارجه در برخی شهرهای مهم و مرزی مانند مشهد و تبریز از دیگر گام‌هایی است که بر اساس نیاز و اهمیت یافتن روابط با کشورهای شمالی پس از فروپاشی شوروی اهمیت یافت که امروزه نقش و اهمیت آنها در آسان کردن روابط میان تجار و حتی مردم میان ایران و کشورهای شمالی از جمله گرجستان زیاد شده است که خود مانند اهمیت یافتن همکاری‌های استانی در روابط اقتصادی، فرهنگی و حتی سیاسی است (سجادپور، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵).

۲- عامل گرجی

در میان مردم و بیشتر مقام‌های گرجی نگاه و رویکرد بسیار مثبتی نسبت به ایران وجود دارد و بخشی از مقام‌های گرجی ایران را به‌عنوان عامل متعادل‌کننده می‌شناسند و برای ایجاد تعادل میان قدرت‌های بزرگ در گرجستان همواره به ایران به‌عنوان نقطه اتکا می‌نگرند و این نکته برای ایران بسیار اهمیت دارد. در جریان قطع گاز گرجستان توسط روسیه در سال ۲۰۰۵ در بدترین شرایط، ایران به کمک مردم و دولت گرجستان شتافت و به‌وضوح علاقه بیشتر مردم و حتی دولت گرجستان که نسبت به ایران ابراز دوستی می‌کردند، احساس می‌شد.

۳- عوامل منطقه‌ای

حضور فعال ایران در مناطق مختلف جهان تا جایی که با اهداف اقتصادی، سیاسی - امنیتی و راهبردی ایران هماهنگ باشد، به نفع یک قدرت در حال رشد مانند ایران است. منطق روابط بین‌الملل در دنیای امروز به شکلی است که وجود تعامل، ائتلاف و اتحاد را یک امر ضروری می‌کند. دستیابی به چنین امری بدون یک سیاست خارجی فعال امکان‌پذیر نیست (برزگر، ۱۳۸۸، ص ۳۵). در این زمینه در سند چشم‌انداز ایران در سال ۱۴۰۴ نیز ایران کشوری با بیشترین تعامل با همسایگان و منطقه به تصویر کشیده شده است.

ایران با هدف تحکیم و تثبیت روابط خود با کشورهای منطقه قفقاز از جمله گرجستان باید از راه‌های مختلف کشورهای منطقه را به‌خود وابسته کند تا همگرایی منطقه‌ای در جهت منافع ایران صورت گیرد نه کشورهای فرامنطقه‌ای. ایجاد خطوط انتقال برق بین ایران و گرجستان که باید از کشور ارمنستان یا جمهوری آذربایجان عبور کند، تبادل برق بین این کشورها، لوله‌گذاری بین ایران

و گرجستان که باید از خاک ارمنستان یا جمهوری آذربایجان بگذرد از این راه‌ها است. با اجرای کامل این دو پروژه مهم نه تنها نیاز انرژی و برق گرجستان و کشورهای منطقه تأمین می‌شود بلکه نوعی وابستگی اقتصادی و در پی آن سیاسی نیز به وجود می‌آید که بسیار اهمیت دارد. به قول کریستین لاو، امروزه نفت مهم نیست بلکه خطوط لوله مهم‌تر هستند. وی معتقد است: هر کشوری که بر مسیر حمل و نقل و انتقال انرژی تسلط و کنترل کامل داشته باشد، مانند این است که بر خود نفت و گاز تسلط دارد (Lowe, 2003). نکته مهم دیگر این است که ایران باید گرجستان را همانند آذربایجان و ارمنستان به‌عنوان کشور همسایه بداند و روابط خود را بر این اساس تنظیم کند.

۴- عامل ایرانی

- ارائه فرصت‌ها و مشوق‌های تجاری قانونی به گرجستان: اعطای کمک‌های توسعه‌ای، اعطای اعتبارهای خاص برای شرکت‌های ایرانی جهت اجرای برخی طرح‌ها در گرجستان، حمایت سیاسی و مالی از تجار و شرکت‌های ایرانی، ایجاد تنوع در کالاهای صادراتی، ایجاد نمایندگی‌های فصلی گرجستان، توسعه همکاری‌های بانکی و گمرکی از جمله مشوق‌هایی می‌تواند باشد که ایران به گرجستان می‌دهد.

- تأکید بر توسعه همکاری‌های فرهنگی، علمی و ادبی، به جای همکاری مذهبی: با توجه به حضور نهادهای مختلف فرهنگی و همکاری‌های خوب دو کشور و با هدف عدم حساسیت بیشتر مقام‌های گرجی، استمرار فعالیت‌های کنونی با جهت فرهنگی تأکید می‌شود. باید یادآور شد که فعالیت‌های کشورمان به جای مذهبی و دینی باید جهت فرهنگی، علمی، ادبی و دانشگاهی و توسعه روابط اجتماعی میان دو ملت داشته باشد.

نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعه روابط ایران و گرجستان

فهم عوامل تأثیرگذار بر رفتار خارجی دولت‌ها یکی از عوامل مهم در رشته روابط بین‌الملل و روابط بین کشورها است. برای بیان، توضیح و حتی پیش‌بینی روابط میان کشورها نه تنها می‌توانیم از نظریه‌های روابط بین‌الملل استفاده کنیم بلکه نظریه‌ها نیز می‌توانند در کنار منظم کردن افکار و مشخص کردن رفتار میان کشورها با یکدیگر، به آنها کمک کنند. در این

راستا روابط ایران و گرجستان نیز بر اساس این نظریه‌ها قابل بررسی و ارزیابی هستند. البته برخی از این نظریه‌ها کارایی بیشتر و برخی کارایی کمتری دارند.

با توجه به گستردگی و تعدد نظریه‌های روابط بین‌الملل و نبود امکان بررسی همه یا بیشتر آنها و با هدف فهم بهتر موضوع در این نوشتار تلاش می‌شود روابط ایران و گرجستان بر اساس دو نظریه سازه‌نگاری و نواقع‌گرایی مورد آزمون و ارزیابی قرار گیرد. زیرا نظریه‌های روابط بین‌الملل هر یک به تنهایی توان تحلیل کامل و جامع روابط دو کشور را ندارند و نمی‌توان فقط به یکی از آنها تکیه کرد و به‌نظر می‌رسد انتخاب شیوه‌گزینی برای این مهم سودمندتر باشد (سجادپور، ۱۳۸۱، ص ۱۰).

الف- نظریه نواقع‌گرایی و روابط ایران و گرجستان

نظریه نواقع‌گرایی، تکمیل‌کننده نظریه واقع‌گرایی است. واقع‌گرایی کلاسیک‌ترین نظریه روابط بین‌الملل است که به‌دنبال تبیین روابط بین‌الملل بر اساس قدرت است. قدرت مفهوم و عنصر اصلی و مرکزی واقع‌گرایان است. نظریه نواقع‌گرایی نظریه‌ای است که پدیده‌های سیاسی و رفتار واحدهای تشکیل‌دهنده نظام را بر اساس ویژگی‌های ساختار نظام بین‌الملل توضیح می‌دهد. دو مفهوم قدرت و منافع ملی مهم‌ترین شاخصه‌ها و مفاهیم کلیدی این نظریه و مبنای تنظیم روابط است. بر اساس این نظریه، کشورها واحدهای بسیط، عاقل و مهم‌ترین بازیگران در صحنه جهانی هستند که به‌دنبال کسب سود و منافع بیشتر هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۲ و Waltz, 1979, p. 23).

هرچند به‌دلیل ماهیت اسلامی بودن نظام، ایران ایدئولوژیک عمل می‌کند ولی این به معنی در نظر نگرفتن منافع ملی نیست. در ضمن همه منافع ملی در منافع مادی خلاصه نمی‌شود، بلکه بخشی از آن شامل منافع غیرمادی هم می‌شود. نواقع‌گرایی همچنین معتقد است در یک نظام هرج و مرج گونه، دولت‌ها برای کسب قدرت و نفوذ، به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و این رقابت نیز رقابتی با حاصل جمع جبری صفر است. چون مهم‌ترین هدف دولت بقا است و برای بقا باید رهبران دولت‌ها از اخلاق فاصله بگیرند، بنابراین از دید نواقع‌گرایی، موضوع ارزش و منافع غیر مادی و اخلاق و هنجار جایگاهی ندارد. در حالی که اخلاق و ارزش‌مداری و ایدئولوژی از اصول انقلاب اسلامی است و باید در رفتار با کشورها رعایت شود.

هر چند نظریه نواقع‌گرایی برای شناخت رفتار خارجی ایران و روابط خود با گرجستان و یا برعکس کامل نیست ولی در مقایسه با مکتب آرمان‌گرایی یا برخی نظریه‌های دیگر از کارایی بیشتری برخوردار است. زیرا ایران پس از انقلاب در کنار داشتن آرمان‌های خاص خود در سیاست خارجی به‌عنوان یک دولت - ملت در موارد گوناگونی واقع‌گرایانه عمل کرده است. نو واقع‌گرایی همانند مکتب واقع‌گرایی تأکید ویژه‌ای به منافع مادی و قدرت و فراتر از آن قدرت نظامی دارد و نسبت به عناصر غیر مادی توجه لازم نمی‌کند. درحالی که سیاست خارجی ایران، به‌ویژه در حوزه‌های جهان سوم و جهان اسلام، متکی به قدرت نظامی نیست و به‌صورت کلی در انقلاب اسلامی ایران، عوامل فرهنگی و ارزشی برجستگی خاصی دارد (سجادپور، ۱۳۸۱، ص ۹). البته همان‌گونه که اشاره شد این به معنای نادیده‌گرفتن قدرت و بقا و منافع ملی نیست. جمهوری اسلامی ایران در کنار اهمیت دادن به فرهنگ، ارزش و ایدئولوژی، به بقا و منافع ملی نیز اهمیت می‌دهد و در روابط خود با کشورها از جمله گرجستان بی‌شک بر اساس منافع ملی نیز عمل کرده است و در آینده نیز این‌گونه عمل خواهد کرد.

نکته مهم دیگر اینکه سیاست خارجی ایران را باید با توجه به شرایط خاص هر منطقه تعریف کرد. به همین دلیل میزان ایدئولوژیک و یا آرمان‌گرا عمل کردن در سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به اندازه خاورمیانه نیست. از سوی دیگر، نمی‌توان در رویکرد واقع‌گرایانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز آرمان‌ها، ارزش‌ها و اعتقادات اسلامی را حذف کرد. رویکرد ایدئولوژیک به معنای تحقق اسلام یا ایدئولوژی خاصی نیست، بلکه ارزش‌هایی است که در سیاست خارجی دولت‌ها نقش غالب را دارند و تعیین‌کننده هستند. رویکرد ایران در آسیای مرکزی و قفقاز (از جمله گرجستان) بر اساس واقع‌گرایی بکارگرفته شده و در آن ملاحظات ایدئولوژیک و فرهنگی - تمدنی ایران با توجه به نوع حساسیت‌های خاص هر منطقه و یا مدیرانی که در یک حوزه خاص به تصمیم‌گیری می‌پرداختند، متفاوت بوده است. با فروپاشی اتحاد شوروی ایران کشورهای منطقه را به رسمیت شناخت و از به‌وجود آمدن این کشورها که در آنها اسلام و یا فرهنگ ایرانی (ارمنستان) نقش مهمی داشت، استقبال کرد (واعظی، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

ب- نظریه سازه‌انگاری و روابط ایران و گرجستان

رهیافت سازه‌انگاری از نظریه‌های جدید در روابط بین‌الملل است. این نظریه علاوه بر ساختارهای مادی که واقع‌گرایان به آن معتقد هستند به تأثیر ساختارها و عوامل غیر مادی یا معنوی مانند هنجارها، ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و ایدئولوژی نیز توجه دارد (مصفا، ۱۳۸۵، ص ۱۳). سازه‌انگاران بر تعامل بین کارگزاران و ساختارها تأکید دارند. تأکید اصلی آنها بر ساختارهای معنایی و غیرمادی یعنی عواملی مانند قواعد، هنجارها و فرهنگ است (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۱۵ و سریع‌القلم و دیگران، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

به عبارت دیگر این نظریه حالت بینابینی دارد و نه مانند جریان اصلی تأکید صرف آن بر عوامل مادی و غفلت از عوامل غیر مادی است و نه جریان انتقادی عوامل مادی را انکار می‌کند و دچار یک نوع ذهن‌گرایی افراطی می‌شود. نظریه پردازان سازه‌انگار مانند ونت^۱، اونف^۲، راگی^۳، کراتوچویل^۴ و رويس اسمیت^۵ هم بر ساختارهای مادی و هم بر ساختارهای هنجاری در یک زمینه بین‌ذهنی تأکید می‌کنند و بر نقش هنجارها در شکل‌گیری هویت و نقش هویت در ایجاد منافع و نقش منافع در شکل‌تعامیل بین کشورها و بازیگران تأکید می‌کنند. آنها رابطه قوام‌بخشی متقابل میان ساختار و کارگزار^۶ را مورد تأکید قرار می‌دهند و معتقد هستند این دو حالت قوام‌بخشی متقابل دارند و هیچ‌کدام بر دیگری مقدم نیست (Guzzini, 2000, pp.147-182). به نظر سازه‌انگاران، ساختاری که در سیاست بین‌الملل رفتار کشورها را تعیین می‌کند، ساختار، هویت‌ها و منافع کشورها است که به‌شکلی بین‌ذهنی و رابطه‌ای ایجاد می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۸۴، ص ۲۳۵).

منافع جمهوری اسلامی ایران براساس تعریفی خاصی که از هویت خود دارد تعریف شده است؛ ولی از آنجایی که بر اساس این رهیافت ارزش‌ها و منافع غیرمادی همانند منافع مادی و حتی به مراتب بیشتر دارای اهمیت هستند و در سیاست خارجی تأثیر زیادی دارند، پس می‌توان روابط ایران و گرجستان را نیز با توجه به پیوندهای موجود مادی و غیر مادی این رویکرد تعریف و ارزیابی کرد. بر اساس سطوح تحلیل سازه‌انگاری، رهیافت ترکیبی و تعاملی این نظریه (داخلی و

-
1. Alexander Wendt
 2. Nicholas Onuf
 3. John Ruggie
 4. Friedrich kratochwil
 5. Rois Esmitt
 6. Structure & Agent

بین‌المللی) که هم به محدودیت‌های ناشی از ساختارهای غیر مادی نظام بین‌الملل و هم به تأثیرهای فرهنگی - هنجاری داخل جوامع و تعامل این دو توجه دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵، صص ۲۱-۲۰)، بهتر می‌توان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط ایران و گرجستان را توضیح داد. بر اساس همین دوسویه‌نگری و تأکید بر بعد معنایی و غیر مادی سازه‌انگاری است که این رویکرد برای توضیح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نواقع‌گرایی موفق‌تر است.

وقتی به صورت تاریخی برخی هنجارها و ارزش‌ها مانند فرهنگ مشترک (اشتراک‌ها و شباهت‌ها در ضرب‌المثل‌ها، خون‌گرم بودن و مهمان‌نواز بودن، برگزاری مراسم نوروز و تحویل سال نو، احترام به مشاهیر ادبی ایران)، هم‌جواری و احساس دوستی با هدف رفع نیازهای یکدیگر در زمان احتیاج، مکمل بودن برخی کالاها و اقتصاد دو کشور، رفت و آمد آسان و دید و بازدید از کشورهای یکدیگر، وجود بیش از سه هزار کلمه مشترک فارسی و گرجی در زبان‌های محاوره، علاقه مردم گرجستان به برخی شاعران مشهور ایرانی به‌ویژه فردوسی و کتاب مشهور وی شاهنامه، وجود اقلیت‌های یکدیگر در دو کشور و بسیاری موارد دیگر حکم می‌کند که بر اساس این هنجارها، هویت‌ها و ارزش‌های مشترک که مورد تأکید سازه‌انگاران است، روابط دو کشور به سمت همکاری و گسترش بیشتر، پیش رود.

این نوع ارزش‌های مشترک غیر مادی در ذهن تصمیم‌گیران دو کشور تأثیرگذار است و آنها را به هم اندیشی مشترک و همکاری به‌سوی منافع مشترک هدایت می‌کند. بنابراین نظریه سازه‌انگاری با توجه به نزدیکی‌ها و اشتراک‌های فرهنگی، ارزشی و هنجاری می‌تواند در چارچوب‌سازی روابط مورد استفاده قرار گیرد و می‌توان روابط ایران و گرجستان را نیز با توجه به اشتراک‌های موجود مادی و غیر مادی این رویکرد تعریف کرد و روابط ایران و گرجستان را در مقایسه با رویکرد نواقع‌گرایی بهتر توضیح داد.

نتیجه

قفقاز منطقه منسجم و یکپارچه‌ای است که واحدهای سیاسی آن از ابعاد مختلف بهم پیوسته و دارای نقشی یکپارچه هستند. قفقاز یکی از مناطق پیرامونی ایران است که به‌دلیل مختلف تحول در هر یک از آنها بر ایران نیز تأثیر می‌گذارد و یا از ایران تأثیر می‌پذیرد. هر

چند گرجستان هم‌مرز با جمهوری اسلامی ایران نیست ولی به دلیل پیوستگی این واحدها و ارتباط تنگاتنگ آنها با ایران، این کشور نیز در ابعاد مختلف تأثیرپذیر و یا تأثیرگذار است. در این نوشتار تأکید شد که در دو دهه گذشته، روابط دو کشور به دلیل وجود ساختار نظام بین‌الملل، رقابت بازیگران مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین بکارگرفتن سیاست‌های متفاوت از سوی دولت‌های ایران و گرجستان، با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است. سیاست خارجی ایران در مقابل گرجستان و کل منطقه دراز مدت و مستمر نبوده است. هرگاه توسعه روابط بر گسترش همکاری‌های اقتصادی استوار بوده است، روابط دو کشور با موفقیت همراه بوده و روند رو به رشد داشته است. در غیر این صورت روند نزولی را طی کرده است. درضمن در این نوشتار به امکانات و فرصت‌های موجود و همچنین محدودیت‌ها و موانع موجود بر سر راه دو کشور برای توسعه همکاری‌ها نیز با ذکر عوامل و دلایل اشاره شد و مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی نظری روابط دو کشور بر اساس اصول و مفروضه‌های دو نظریه نواقع‌گرایی و سازه‌انگاری که در مقایسه با سایر نظریه‌ها بهتر می‌توانند روابط دو کشور را ترسیم، توضیح و ارزیابی کنند، از هدف‌های دیگر این نوشتار است. از نظر نو واقع‌گرایی تأکید شد، هر چند تأکید اصلی سیاست خارجی ایران بعد ایدئولوژیک و فرهنگ و ارزش‌ها است ولی ایران پس از انقلاب ضمن حفظ آرمان‌ها و ارزش‌های خاص خود در سیاست خارجی، به‌عنوان یک دولت - ملت در موارد بسیاری واقع‌گرایانه نیز عمل کرده است. زیرا حفظ بقای کشور و نظام همچنان از برجستگی خاصی در هسته اصلی تفکر و عمل سیاست خارجی برخوردار است.

بنابراین در روابط ایران و گرجستان نیز افزون بر بعد فرهنگی و ارزشی، به منافع ملی و توسعه قدرت و نفوذ خود در این کشور و منطقه توجه خاص شده است. از منظر سازه‌انگاری نیز اشاره شد که به دلیل تأکید دوسویه نگری این رویکرد یعنی تأکید بر منافع مادی و منافع غیر مادی و با تأکید بیشتر بر ارزش‌ها و هنجارها و موارد معنایی، این رویکرد برای توضیح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نسبت به نو واقع‌گرایی نیز موفق‌تر و مناسب‌تر است و به عبارتی بهتر می‌توان بر اساس این نظریه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و روابط ایران و گرجستان را توضیح داد و ارزیابی کرد.

منابع

الف - فارسی

۱. برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *مطالعات اوراسیای مرکزی* (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۸، صص ۲۳-۴۰.
۲. حیدری، علی محمد (۱۳۸۷)، «گرجستان در چشم‌انداز سیاست همسایگی اتحادیه اروپا، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۷.
۳. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۱)، «رویکردی نظری بر نقش آفرینی اتحادیه اروپا»، *ماهنامه سیاسی - اقتصادی*، شماره ۱۴۲-۱۴۱، صص ۹۲-۱۰۳.
۴. دوترتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل* (جلد اول)، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
۵. سجادیپور، سید کاظم و دیگران (پائیز و زمستان ۱۳۸۵)، «تبدیل ژئوپلیتیک جنگ و ژئوپلیتیک صلح (بررسی موردی: تأثیر سیاست خارجی در آفریقای جنوبی بر امنیت منطقه‌ای دوره آپارتاید و پس از آن)»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوم، شماره ۳ و ۴، صص ۲۲-۴۴.
۶. سجادیپور، سید محمد کاظم (۱۳۸۱)، *سیاست خارجی ایران: چند گفتار در عرصه‌های نظری و عملی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. سریع القلم، محمود (۱۳۷۹)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف»، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
۸. شفیعی، نوذر (۱۳۹۰)، «جنگ روسیه و گرجستان: زمینه‌ها و محرک‌های اثرگذار»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، سال چهارم، شماره ۹، صص ۳۹-۵۸.
۹. عسگری، حسن (۱۳۸۵)، «خط و مشی‌های سیاست خارجی و امنیتی گرجستان»، *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۵۴، صص ۱۲۷-۱۴۲.
۱۰. عسگری، حسن (تابستان و پائیز ۱۳۸۸)، «بحران اوستیای جنوبی: ریشه‌ها، ابعاد، پیامدها و چشم‌انداز آینده»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۴، صص ۲۱-۴۳.
۱۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌نگاری»، برگرفته از کتاب: *نسرین مصفا، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.

۱۳. مصفا، نسرین، (۱۳۸۵)، *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۴. واعظی، محمود (۱۳۸۸)، *میانجیگری در آسیای مرکزی و قفقاز: تجربه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه.

ب - انگلیسی

1. Guzzini, Stefano(1998), "Realism in International Relation", London, Routledge.
2. Guzzini, Stefano(2000), "A Reconstruction of Constructivism in International Relations", **European Journal of International Relations**, Vol. 6, No. 2, pp. 147-182 .
3. Kornely, K. Kakachia(2011), "Iran and Georgia: Genuine Partnership or Marriage of Convenience?", **Ponars Eurasia policy**, No. 186, Available at: <http://www.gwu.edu>, (accessed on 10/3/2012).
4. Lowe, Christian (2003), "Georgia in Crisis, Us & Russia step, Available at: <http://iafrica.com>, (accessed on 12/10/2011).
5. Waltz, Kennet (1979) , " Theory of International Politics", US: Reading, Mass: Adison-Wesley.